

پس زمینه خطبه فدکيه

در حکم وصیت نامه حضرت به امت و به هم امت‌ها

۱

آسیب‌شناسی امت در انتخاب‌های نادرست در فتنه‌ها
چرا باید ایمان‌ها تاب مقاومت نداشته باشد؟

۲

نمونه‌ای کامل و واضح از جهاد تبیین در حمایت از ولایت

۳

منشور برای حاکمیت الهی
مبنای حاکمیت دینی
دین وقتی دارای قدرت حکومت می‌شود.

۴

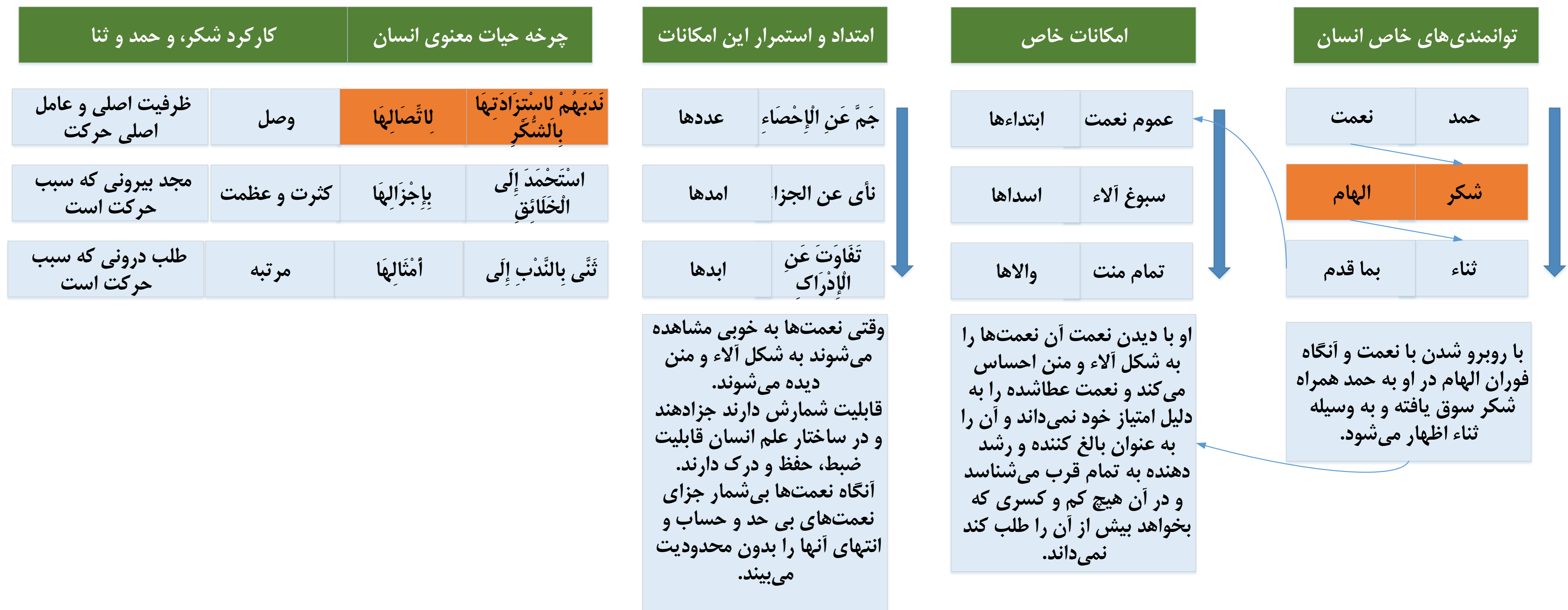
قاعده‌های تحول ساختار انسان و جامعه بر اساس دین
(و شریعت) (ولایت) و معیارهای و شاخص‌های آن

۵

تحریک و انبعاث و ذائقه‌سازی برای مسلمان مؤمن
بودن = انذار

۶

توحید در خطبه فدکیه



توحید در خطبه فدکیه

شهادت به لا اله الا الله

کلمه

انار فی
التفکر
معقولها

ضمن القلوب
موصولها

جعل
الاخلاص
تأویلها

تفکر همان
پیشران یک
انسان در
نیازهایش

به عقل در
آمدن آن به
همان اندازه
موجب
نورانی تفکر
می شود.

عامل اتصال
همه
قلب‌هایی
است که این
کلمه را دارند

خالص شدن
همان و
جاری شدن
کلمه لا اله الا
الله همان

کارکرد
درونی کلمه
توحید

کارکرد
بیرونی کلمه
توحید

شرط ظهور
کلمه توحید
در زندگی

شهادت به لا اله الا الله

توصیف شهادت به لا اله الا الله

امتناع قدرت گزاره‌ای انسان
از بیان چگونگی فعل او

انسان با گزاره‌ها نمی‌تواند
کیفیت فعل خدا را بفهمد.

امتناع زبان‌ها از بیان
صفت او

انسان با محدود
کردن نمی‌تواند وصف
خدا بکند

امتناع رؤیت ابصار

انسان با ابزار دیدن
قدرت رؤیت خدا را
ندارد.

تَثْبِيثًا لِحِكْمَتِهِ
و تَنْبِيْهًا عَلٰى طَاعَتِهِ
وَ اِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ
تَعْبُدًا لِبَرِيَّتِهِ
وَ اِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ

خلقت خداوند

فلسفه خلقت و هبوط

حکمت مخلوق = غرض متعالی خلق آن
تفصیل حکمت = قرار گرفتن در مدار طاعت
تفصیل طاعت = آشکار شدن قدرت خدا
تفصیل اظهار قدرت = دریافت حالتی از خضوع و خشوع
تفصیل تعبد = تقویت کردن دعوت خدا

تَثْبِيثًا لِحِكْمَتِهِ
و تَنْبِيْهًا عَلٰى طَاعَتِهِ
وَ اِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ
تَعْبُدًا لِبَرِيَّتِهِ
وَ اِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ

به نسبت طاعت خود و تنوع آن اجر و جایگاه کمالی مخصوصی قرار داده است.
به نسبت نافرمانی و تنوع آن عقبه نامطلوب مخصوصی قرار داده است.
تدبیری قرار داده تا فرد نعمتی که به دست می آورد از دست ندهد.
تدبیری قرار داده تا فرد سر از بهشت خود در آورد.

ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلٰى طَاعَتِهِ
وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلٰى مَعْصِيَّتِهِ
ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ مِنْ نِعْمَتِهِ
وَ حِيَاثَةً لَهُمْ اِلٰى جَنَّتِهِ

ذره‌ها بمشیته	کونها بقدرته	انشاءها بلا احتذاء	ابتدع الاشياء
برای آن شیء نقشه تدارک دید	بودن شیء را معادل قدرت او ببین	بدون آزمودن	بدون نقشه قبلی
فایده‌ای در تصویر آن نیست.	حاجتی برای او در تکوین آن نیست		

شهادت به رسالت رسول

وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
اخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ
وَسَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ
وَأَصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَنَهُ
إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ
وَبَسْتَرِ الْأَهْوِيلِ مَصُونَةٌ
وَبِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَفْرُونَةٌ
عَلِمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَا يَلِ الْأُمُورِ
وَإِحَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ
وَمَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ
ابْتَعَنَهُ اللَّهُ اِتِّمَامًا لِأَمْرِهِ
وَ عَزِيمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ
وَ اِنْفَادًا لِمَقَادِيرِ رَحْمَتِهِ

معرفی پیامبر خاص
طراحی آفرینش/ خلقت آفرینش
پیامبر کاملترین موجود /نقشه آفرینش
حی بودن پیامبر ص و در میان مردم بودن اوست.
احیای دوباره ایمان به پیامبر ص
احساس بودن پیامبر هر فرد و اجتماع
مخلوق بودن خاص در عین بشر بودن

دلالت به مقام خاتمیت رسالت
رسیدن شریعت و دین به تمام و کمال خود
رسیدن انسان به کمال خود برای دریافت همه احکام الهی
جاری شدن منافع نظام ولایت در عالم به شکل رحمت

حس پدری	حس عبد بودن	حس بی‌ارتباط نبودن با خدا
تمام شرایط را برای ویژه بودن او به عنوان آخرین رسول مهیا کرد		
اسمی که برایش انتخاب کرد آنقدر برای خدا مهم بوده که حتی سبب انتخابش بوده		
خلوص پیامبر سبب بعثت او شده است. خلوص او سوای از بعثت اوست.		
تعریف قبل		
او را به عنوان امام و جلودار علم غیب خود و نه تنها علم غیب بلکه تعیین کننده قدرت تقدیر در عالم قرار داد.		

بعثت:

تمام شدن امر خدا/ فراهم شدن نظام و ساختار هستی	موضوعات حیاتی	کمالی خودنمایی کند
حتمیت و جدیت در تحقق وعده‌های الهی و جاری شدن حکمت او در عالم	فواید و حکمت‌ها آنها	اراده‌ای جدید فعال شود
به صورت قطعی و با استحکام جاری شدن تمام مقدرات رحمت‌آفرین	جریان ظرفیت‌بخش در آنها	اثری از رحمت ظاهر شود.

ظلم = تاریکی‌های محیط شب تار درست کننده
بُهم = شبهات و دیدنداشتن و تفصیل نداشتن خاموش بودن
غَمم=دچار تبعات و مصایب گاه و بی گاه که حال انسان بد می‌کند و به هم ریزاننده

تاریکی‌های جاهلیت

رحلت پیامبر بر اساس حکمت الهی و طراحی خود پیامبر اتفاق افتاده است.

دلالت به رسالت پیامبر با مختصات تاریخی مشخص

عناصر اصلی جاهلیت	خارج بودن انسان از یکپارچگی
	خارج بودن انسان از منافع دین و محروم بودن از منافع انسانی
	اتکای انسان به وثنیت و ثنویت و سوق پیدا کردن خرافه‌ها و فرهنگ‌ها
	انکار خدای واحد

عناصر قیامت حجت خدا

هدایت = دستگیری هادی
انقاذ = سرعت عمل در بیرون راندن از انحراف
درونی = پرتاب به بیرون گمراهی
بصیرت = بالا بردن افق دید
هدایت به دین قویم= دین همه کاره
دعوت به راه مستقیم = راهی که خود آن راه هوشیار و رونده است.

فَرَأَى الْأُمَمَ
فَرَقًا فِي أَدْيَانِهَا
عَكْفًا عَلَى نِيرَانِهَا
عَابِدَةً لِّأَوْثَانِهَا
مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا
فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ ص ظُلْمَهَا وَ
كَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بَهْمَهَا
وَ جَلَّى عَنِ الْأَبْصَارِ غَمَمَهَا
وَ قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ
فَأَنقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ
وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ
وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ
وَ دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ
ثُمَّ قَبِضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَاقِهِ وَ اخْتِيَارَ وَ رَغْبَةً وَ
فَمُحَمَّدٌ ص مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ قَدْ حَفَّ
بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْعَفَّارِ وَ مَجَاوِرَةِ الْمَلِكِ
الْجَبَّارِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيهِ وَ أَمِينِهِ وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ
وَ صَفِيهِ وَ السَّلَامِ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ

ثُمَّ التَّفَتَّتْ إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ وَ قَالَتْ
 أَنْتُمْ عِبَادُ اللَّهِ نُصِبَ أَمْرُهُ وَ نَهِيَهِ وَ حَمَلَهُ دِينَهُ وَ وَحِيَهُ وَ أَمَنَاءُ اللَّهِ عَلَي أَنْفُسِكُمْ وَ بَلَّغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَّمِ زَعِيمٌ حَقٌّ لَهُ
 فِيكُمْ وَ عَهْدٌ قَدَمُهُ إِلَيْكُمْ وَ بَقِيَّةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ وَ النَّوْرُ السَّاطِعُ وَ الصَّبِيَاءُ
 الْأَلَمَّحُ بَيْنَهُ بَصَائِرُهُ مَنكُشِفَةٌ سِرَائِرُهُ مَنجَلِيَّةٌ ظَوَاهِرُهُ مَعْتَبَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ قَائِدًا [قَائِدًا] إِلَى الرِّضْوَانِ أَتْبَاعَهُ مَوْدٌ
 إِلَى النَّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ بِهِ تَنَالُ حُجُجُ اللَّهِ الْمُنُورَةُ وَ عَزَائِمُهُ الْمَفْسَرَةُ وَ مَحَارِمُهُ الْمَحْدَرَةُ وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ وَ
 بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ وَ فَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ وَ رُخْصَةُ الْمَوْهُوبَةُ وَ سَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ

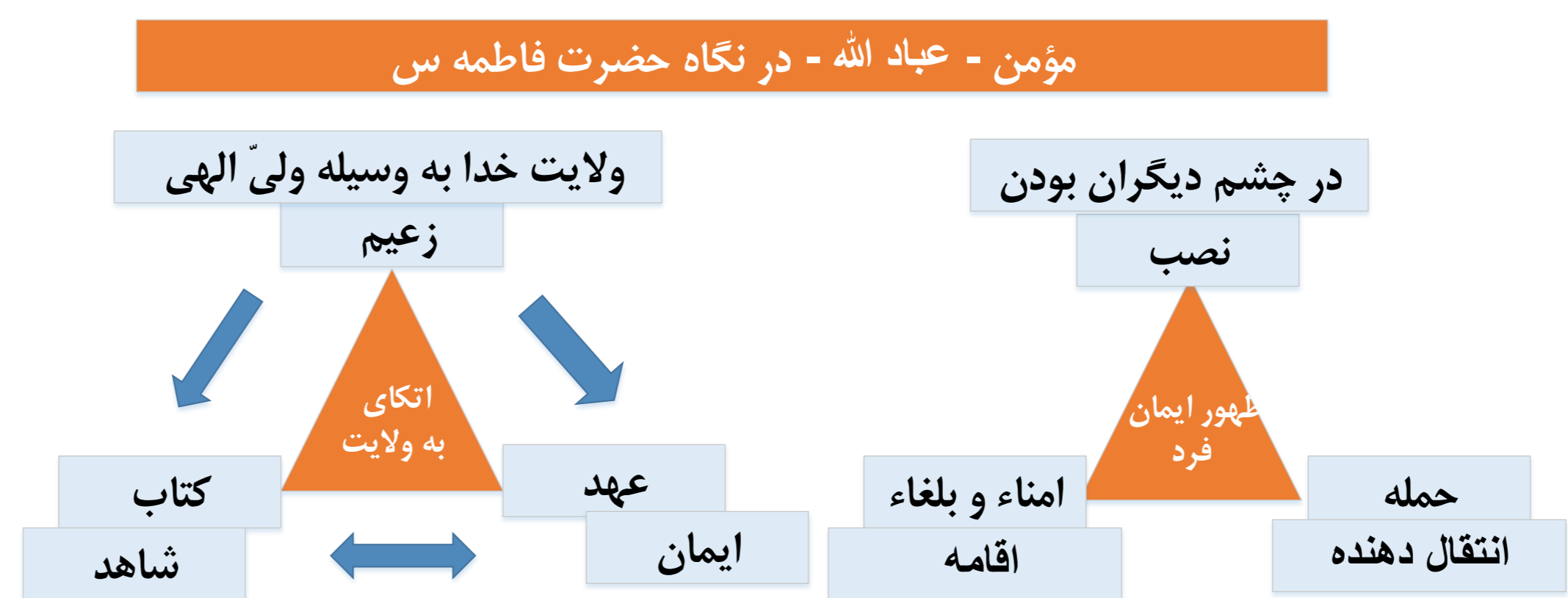
خطبه = جهان بینی که قابل انتقال است و لازم است هم خودشان مؤمن به آن بشوند و هم انتقال دهند.

خطبه = اختصار آن باید مورد توجه قرار بگیرد.

اصول دین تحقیقی است. در این خطبه سطح عمومی اصول دین بیان شده است.

در این خطبه به شدت لحن و القا، لحن و القای مهربانه‌ای است.

انتظار و توقع نُصِبَ أَمْرُهُ وَ نَهِيَهِ = عَلم و پرچم = امر و نهی‌های را ظاهر کنند.
 حضرت از وَ حَمَلَهُ دِينَهُ وَ وَحِيَهُ = انتقال دهنده دین و وحی خداست.
 مؤمن وَ أَمَنَاءُ اللَّهِ عَلَي أَنْفُسِكُمْ وَ بَلَّغَاؤُهُ = قابل اعتماد بودن در بین خود آنها و بلد بودن در رساندن حقایق



نزول از ام الكتاب = ثبت و عرش	کتابُ الله النَّاطِقُ = حی است و در بین شما حضور دارد و نطقی فعال دارد، بنابراین القا دارد. اثر دارد،
جمع همه کتب آسمانی	وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ = با کتاب‌های پیشین هماهنگ است. وعده‌ها و وعیدهایش حتمی است.
روشنایی‌بخشی و حیات‌بخشی	وَ النَّوْرُ السَّاطِعُ = حیثیت کاربردی قرآن از جهت روشنگری، زندگی‌بخشی و لطافت به وسیله نور و رایحه
قابلیت امتزاج با باور و عمل	وَ الصَّبِيَاءُ الْأَلَمَّحُ = خاصیت استقرار در درون انسان و قلب او که به گونه‌ای که انسان می‌تواند قرآن را پیاده کند.

اتمام حجت/ حجت‌ساز	بَيْنَهُ بَصَائِرُهُ	آیات بصیرت‌بخش = امکان رویت فراهم می‌کند
پرده برداری می‌شود	مُنكشِفَةٌ سِرَائِرُهُ	نهان‌هایی دارد که قابل خوانش و فهم
موید همدیگرند و زنجیره‌وار	مَنجَلِيَّةٌ ظَوَاهِرُهُ	آشکارهایی هم‌افزایی دارد.
خیلی در رشد اثر دارد	مَعْتَبَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ	تبعیت بردار به نحو انطباق کامل است.
فرمانده زندگی فرد و جامعه	قَائِدًا [قَائِدًا] إِلَى الرِّضْوَانِ	رضایت خدا را از آن می‌توان می‌فهمد
تبعیت‌بردار به نحو حرف‌شنوی است.	أَتْبَاعَهُ مَوْدٌ إِلَى النَّجَاةِ	رها شدن از خطر
حرف‌شنوی = حقایق گزاره‌ای	اسْتِمَاعُهُ بِهِ تَنَالُ:	
حجت‌های الهی	حُجُجُ اللَّهِ الْمُنُورَةُ	کانون، منبع و ذخیره‌گاه نور
طلب و اراده‌های خواسته شده	وَ عَزَائِمُهُ الْمَفْسَرَةُ	ذخیره‌گاه تفصیل
حریم‌هایی که خدا تعیین کرده	وَ مَحَارِمُهُ الْمَحْدَرَةُ	ذخیره‌گاه ورع
دلایل روشن	وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ	کانون، منبع و ذخیره‌گاه جلوه و حسن
محکمت‌نورانی	وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ	کانون، منبع و ذخیره‌گاه یاری و کمک
خصلت‌های دوست‌داشتنی	وَ فَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ	کانون، منبع و ذخیره‌گاه محبت
اختیار ارتقا دهنده	وَ رُخْصَةُ الْمَوْهُوبَةُ	کانون، منبع و ذخیره‌گاه هبه‌های خاص
بایسته‌ها و مسیرهای تعیین شده	وَ سَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ	کانون، منبع و ذخیره‌گاه عیودیت و تعبد